

تشییع پیکر مطهر قائد شهید بعد از دهه اول محرم

صفحه ۲

صفحه ۲

تیتراهای امروز



گزارش «وطن امروز» از تأثیر جنگ ۴۰ روزه بر افول قدرت آمریکا در نظام بین‌المللی

پایان از رمضان

گزارش «وطن امروز» از پیامدهای ۱۰۰ روز تنش آمریکا علیه ایران برای اقتصاد جهانی

وحشت در بازارهای جهان

صفحات بک‌و

انتشار تصاویر جدید ماهواره‌ای از خسارات حمله موشکی ایران به پایگاه‌های نظامی رژیم صهیونیستی

آتش

در ارامات دیوید

صفحه ۲

گزارش فارن پالیسی از دست برتر ایران در معادلات منطقه‌ای

معادله جدید



دیدگاه مهدی حسینی

باخت ترامپ در جنگ با ایران و البته اقدام ایران برای ساخت یک معادله جدید در برابر رژیم صهیونی، در حمله تلاقی‌جویانه برای رد کردن خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران، دیگر واقعیتی آشکار است که چشم کارشناسان پنهان نیست. فارن پالیسی در گزارشی به مساله باخت قطعی ترامپ و دست بالای جمهوری اسلامی ایران در نبرد با رژیم اشغالگر قدس می‌پردازد. به باور فارن پالیسی، ترامپ تصور می‌کرد جنگی را آغاز می‌کند که تا پایان در صندلی راننده خواهد نشست ولی خیلی زود کنار زده شد: «رئیس جمهور آمریکا در جریان جنگ ایران عملاً به یک مسافر عادی بدل شده است؛ هر چند اصرار دارد پس از ماه‌ها تلاش نافر جام برای دستیابی به توافق صلح، همچنان پشت فرمان نشسته است. او با تلاش برای القای تسلط خود بر اوضاع و انکار واقعیتهای پیچیده میدانی، تنها مسیر دستیابی به یک توافق را ناهموارتر کرده است.»

به نوشته فارن پالیسی، حمله ایران به رژیم صهیونیستی موجب شد ناتوانی ترامپ در کنترل اوضاع به‌خوبی به رخ کشیده شود و در عین حال جمهوری اسلامی ایران هم با اطلاع از دست برتر خود، برای امتیازگیری بیشتر، فشار بیابرد: «در شرایطی که ترامپ مشتاق دستیابی به یک توافق صلح و پیشگیری از بازگشت به یک جنگ تمام‌عیار است، به نظر می‌رسد ایران به‌خوبی آگاه است اکنون می‌تواند هم از بن‌بست ایجادشده بر سر تنگه هرمز و بحران انرژی ناشی از آن و هم از عملیات تهاجمی اسرائیل در لبنان، به عنوان اهرم فشار در مذاکرات بهره ببرد.»

دست برتر ایران در حمله به رژیم، حتی به ادعان صهیونیست‌ها هم روشن شده است. فارن پالیسی می‌نویسد: «عوفر صلاح، پژوهشگر موسسه مطالعات امنیت داخلی اسرائیل، اندیشکده‌ای وابسته به دانشگاه تل آویو، در این باره می‌گوید: «معادله جدیدی را در خاورمیانه» پایه‌گذاری کرد؛ معادله‌ای که در آن، حمله اسرائیل به حزب‌الله می‌تواند محرک حمله ایران به اسرائیل باشد.»

با تمام تلاش‌هایی که ترامپ برای تفکیک میدان لبنان از ایران می‌کند، به باور فارن پالیسی او تاکنون از این کار ناتوان بوده و همین امر موجب درگیری از ۲۰ جنایتکار هم‌شده است: «همزمان با تشدید عملیات اسرائیل علیه حزب‌الله، ترامپ از نتایجوا بر از کلافگی کرده است. گزارش‌ها حاکی از آن است ترامپ در تماس تلفنی اخیر درباره لبنان، به نتایجوا ناسزا گفته و او را فردی ناسپاس خوانده است.»

ادامه در صفحه ۴

تحلیل صاحب‌نظران و کارشناسان بین‌المللی درباره ابعاد حمله موشکی ایران به رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر معادلات غرب آسیا

نظم ایرانی

صفحه ۳



نسل جدید بازدارندگی و یادی از سردار شهید «مرتضی سعیدی‌راد»

ایران؛ باتلاق استراتژی‌ها

بیش از هر چیز محاسبه آسان را به هم بریزد. این هدف البته جدید نیست و مدت‌های متمادی است تحت عنوان «تخریب شخصیت» پیگیری و دنبال می‌شود اما آنچه توجه بدان را جدی می‌کند، کوشش آمریکا برای اخضی‌سازی مسائل ملی و تلاش برای هزینه‌سازی مستقیم بر چهره‌هایی است که راهبردهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم و تثبیت می‌کنند. در مقابل، آنچه رخ داده، نشان می‌دهد به رغم جنجال‌های رسانه‌ای پرشمار، مقامات فرماندهان و تصمیم‌گیران به‌خوبی توانستند در برابر این استراتژی بایستند. نوع مقابله و پیامدها و نتایجی که از زد و خورد میان طرفین پدید آمده، نشان می‌دهد فراتر از استانداردهای حفاظتی معمول در همه کشورها برای صیانت از زندگی، افراد خانواده و دوستان و شناسایی نقاط تهدید، کمتر فرمانده یا چهره نظامی و امنیتی است که بر اساس یک تصمیم شخصی و انتخاب خویشندارانه، تأثیرگذاری منفی بر ذهن را از طریق اطرافیان خشنی نکرده باشد.

ساختاری که در ۱۰۰ روز گذشته توانست روند عادی زندگی ایرانیان را بازگرداند و در بحبوحه جنگ سخت با ۲ قدرت نظامی و امنیتی جهان، نه‌تنها عقب نشینند، بلکه به صورت مبتکرانه و فعالانه رو به جلو حرکت کند و دست برتر در مذاکره را داشته باشد،

بیش از هر چیز محاسبه آسان را به هم بریزد. این هدف البته جدید نیست و مدت‌های متمادی است تحت عنوان «تخریب شخصیت» پیگیری و دنبال می‌شود اما آنچه توجه بدان را جدی می‌کند، کوشش آمریکا برای اخضی‌سازی مسائل ملی و تلاش برای هزینه‌سازی مستقیم بر چهره‌هایی است که راهبردهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم و تثبیت می‌کنند. در مقابل، آنچه رخ داده، نشان می‌دهد به رغم جنجال‌های رسانه‌ای پرشمار، مقامات فرماندهان و تصمیم‌گیران به‌خوبی توانستند در برابر این استراتژی بایستند. نوع مقابله و پیامدها و نتایجی که از زد و خورد میان طرفین پدید آمده، نشان می‌دهد فراتر از استانداردهای حفاظتی معمول در همه کشورها برای صیانت از زندگی، افراد خانواده و دوستان و شناسایی نقاط تهدید، کمتر فرمانده یا چهره نظامی و امنیتی است که بر اساس یک تصمیم شخصی و انتخاب خویشندارانه، تأثیرگذاری منفی بر ذهن را از طریق اطرافیان خشنی نکرده باشد.

ساختاری که در ۱۰۰ روز گذشته توانست روند عادی زندگی ایرانیان را بازگرداند و در بحبوحه جنگ سخت با ۲ قدرت نظامی و امنیتی جهان، نه‌تنها عقب نشینند، بلکه به صورت مبتکرانه و فعالانه رو به جلو حرکت کند و دست برتر در مذاکره را داشته باشد،

یادداشت محمد رستم‌پور

۵ سال و ۹ ماه پیش، مجله فارن پالیسی در گزارشی تفصیلی به بهانه آسیب‌شناسی معماری سایبری آمریکا، از نسل جدید بازدارندگی سیاسی به جای تحریم و فشار سیاسی پرده برداشت. الیزابت براو، نویسنده گزارش تأکید کرده بود نشانه گرفتن اعتبار و شهرت سیاستمداران و کشورها مؤثرتر از مسدودسازی دارایی‌ها و تحریم اقتصادی است؛ مثلاً اینکه فرزندان این مقامات در دانشگاه‌های آمریکا تحصیل می‌کنند. بدنام‌سازی آنان تأثیرگذارتر از تحریم آنان است. نامتقلن بودن جنگ اقتضای کند به شکل غیرنظامی و در یک دوره زمانی پاسخ داد. از نظر او وقت آن است که آمریکا از استراتژی «بدرخوانده» در مقابله با دشمنانش استفاده کند. در استراتژی بدرخوانده، مانند فیلم پدرخوانده فرانسیس فورد کوپولا وقتی یکی از مدیران هالیوود با او مخالفت می‌کند، پدرخوانده سر بریده‌اسب محبوبش را برایش می‌فرستد. نسل جدید بازدارندگی سیاسی در تلاش است منابع قدرت را به صورت شخصی و شبکهای هدف قرار دهد و با تئور شخصیت، بی‌اعتبارسازی اجتماعی و تأثیرگذاری مستقیم بر اعضای خانواده مقامات و تصمیم‌گیران،

معمولی زندگی می‌کنند و حتی برخی مواهب حلال را هم بر خود حرام می‌کنند تا در وقت خطر بتوانند به‌روزترین واکنش‌های ممکن را از خود نشان دهند. استراتژی «بدرخوانده» برای عقب راندن چهره‌های مؤثر اداره کشور در شرایط تحریم که هر کشوری را به زانو درمی‌آورد، در برابر ایران بهره‌مند از چهره‌های نابغه‌ای مانند مرتضی سعیدی‌راد ناکافی است. ۲ سال اخیر در تنگ کردن شرایط محاصره و ترور چهره‌های وزینی که سیاست و راهبرد ایران در منطقه را پیش می‌بردند، قابل بررسی است. بقای جمهوری اسلامی و بروز آن واقعیتی که همه رؤسای جمهور آمریکا از آن واهمه داشتند، به مدد خرد، دانش و بیش از آن «تقوا»ی چهره‌هایی است که کسی آنها را نمی‌شناسد اما پیش از همه در معرکه خطر حاضرند و بیش از همه سعی دارند ایران را بر قله شکوه و عزتمندی بنشانند. به فهرست چهره‌هایی که ایران را عزیز کردند و حالا نام شهید ابتدای اسم‌شان حک شده، از سلامی و باقری و رشید و حاج‌زاده و عبدالرحیم موسوی و پاکپور و نصیرزاده و طهرانچی و عباسی و لاریجانی و تنگسیری و... مرتضی سعیدی‌راد را اضافه کنیم؛ اگر چه مانند او آنقدر زیادند که این فهرست بسیار طولانی خواهد شد. ایران به واسطه این نام‌هاست که باید باتلاق استراتژی‌ها نام گیرد.

جمله آنها این است که جمهوری اسلامی ایران، همان آقازاده‌ها یا چهره‌هایی نیست که روزانه، با دروغ و جعل، به غلط یا درست، اطلاعاتی از زندگی و باورهای‌شان منتشر می‌شود. جمهوری اسلامی بیش از هر کسی، به چهره‌هایی مانند شهید مرتضی سعیدی‌راد تکیه دارد که برای استخدام فرزندان در سپاه، حتی یک تماس ساده هم نگرفت. کسانی که خدم و حشمی ندارند ولی پیچیده‌ترین استراتژی‌ها و چندلایه‌ترین راهبردهای آفندی دشمن را به ساده‌ترین و جامع‌ترین شکل ممکن پاسخ می‌دهند و از این حیث است که به مدد طراحی سناریوهای ابتکاری در لحظه، به جای آنکه سیستم کارآمد نظام اسلامی ناتوان شود، این آمریکا رژیم صهیونیستی هستند که در برابر ایران -یکصد روز پیش از ترور رهبر انقلاب و فرماندهان و مقامات عالی‌رتبه‌اش- به زانو درآمده‌اند. کم کردن نقاط تهدید و تلاش برای کاهش مناطق مستعد برای بروز درد، پیشگیرانه‌ترین راهبردی است که می‌تواند ایران را از نظام نزدیک شود و ضمن جمع‌آوری اطلاعات، افراد را برای آن چهره، نقطه تهدید کند اما در مقابل، انبوهی از مدیران و مقامات و چهره‌ها و شخصیت‌ها هستند که حتی یک خط از زندگی و کار و اقدام آنان در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی موجود نیست. جنگ سوم است که از نظر دارایی اقتصادی همسطح مردم

گزارش «وطن امروز» از تأثیر جنگ ۴۰ روزه بر افول قدرت آمریکا در نظام بین‌المللی

پایان از رمضان

حالا ایران در جنگی ۴۰ روزه، شکستی بی‌سابقه به آمریکا وارد کرده که تمام تصویر قدرت پیش‌گفته آمریکا را منهدم کرده است. تصویر امروز همان چیزی است که فردریش مرتس، صدراعظم آلمان گفت: «ایران در حال تحقیر آمریکاست». ترامپی که روزی از ایران خواهش می‌کند تنگه هرمز را باز کند و روز دیگر در میانه جنگ به اروپایی‌های تحقیرشده التماس می‌کرد آنها هم کمک کنند تا هرمز به روی جهان باز شود، رئیس جمهوری که بعد از هدف قرار گرفتن رأس‌الغان در قطر، از ایران خواست زیرساخت انرژی منطقه را زنده و قول داد حمله به پتروشیمی‌های ایران هم تکرار نشود و ترامپی که پس از اعمال خط قرمز ایران در آنشپس و حمله به رژیم صهیونی به نتایجوا هشدار می‌دهد ممکن است در تقابل با ایران، خود را تنها ببیند.

ترسناک‌اشنگتن برای دشمنانش ظاهر شده است: تعرفه‌های واشنگتن جهان را مجازات می‌کند، پاناما از کنترل چین خارج شده است، گرینلند و کانادا قرار است به خاک آمریکا ضمیمه شوند، اروپایی‌ها را تحقیر زبان آلمانی صحبت می‌کردند، آمریکا سادیت خود را در آمریکای لاتین و دریای کارائیب با احیای دکترین مونرو (که ترامپ آن را دونرو خوانده است) احیا کرده و با سلاح‌هایی ویژه توانسته تنها ظرف چند ساعت به قلب کاراکاس نفوذ کرده، نیکلاس مادورو، رئیس جمهور ونزوئلا را برده و در این کشور رژیم‌پنچ انجام داده و بتاستان ۲۰۲۵ طی عملیات «چکش نیمه‌شب» به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله کرده است. در نهایت مجموع اینها نشان از این داشت: صلح از طریق قدرت به‌خوبی کار می‌کند.

فراپیننده‌های آمریکای دوران ترامپ را امپراتوری رو به افول می‌بینند» عنوانی که نیویورک تایمز منتشر کرد و بسیاری در داخل و خارج با آن هم‌نظرند. ترامپ تنها در ۲ ماه، تمام ۵ سال سیاست لیندون جانسون در جنگ ویتنام را طی کرده است؛ ورود به جنگ، تشدید آن، بن‌بست نامیدکننده و سپس ورود به مذاکرات. اکنون این روند وارد مرحله‌ای شبیه دوره ریچارد نیکسون شده است؛ یعنی ابتدا تهدیدهای پرسر و صدا و سپس درک تدریجی نیاز به خروج از جنگ با یک توافق نه‌چندان رضایت‌بخش.

ادامه در صفحه ۲

برای توضیح سقوط جایگاه کنونی آمریکا در نظام بین‌الملل در حال گذار، پس از جنگ با ایران فکت‌های غیرقابل انکار و غیرقابل مخدوشی وجود دارد اما شاید با مروری بر ادبیاتی که توسط مراکز فکری آمریکایی از سوی صاحب‌نظران و مقامات پیشین آن کشور تولید شده، به‌خوبی شکافی که ایران با جنگی بی‌مانند بر نظام نظمی، پولادین و آینده‌کند. جنگ برای اثبات اینکه مسؤولان، مدیران و مقامات نظامی جمهوری اسلامی ایران فاسد و ناکارآمد نیستند، هزینه‌گراف و سنگینی بود اما در نهایت آنچه به دست آمد، یک تجربه ملموس از زندگی در کنار و همراه با کسانی است که از نظر دارایی اقتصادی همسطح مردم

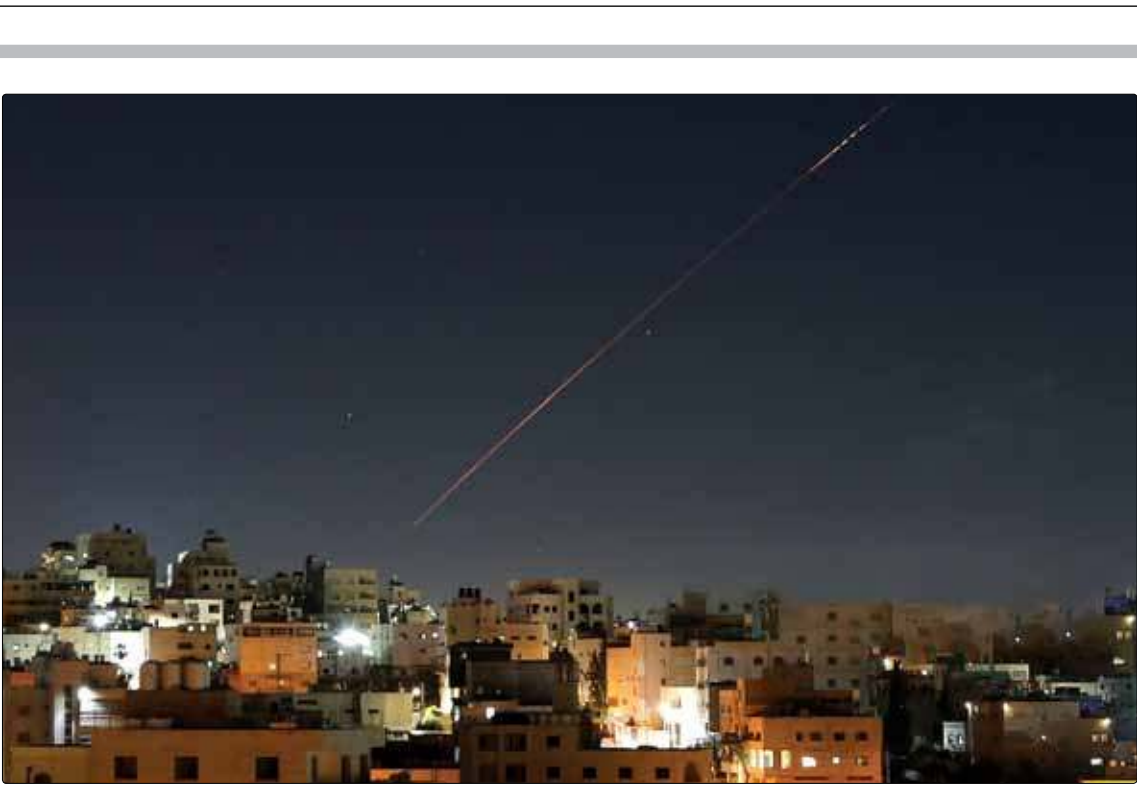
ویتنام تا ایران، نیکسون تا ترامپ

گیلدرن رز، سردبیر سابق «فاران افرز» چند هفته قبل در این ارگان تخصصی وابسته به شورای روابط خارجی آمریکا نوشت: این روزها حرف‌های زیادی زده می‌شود مبنی بر اینکه تاکلمی واشنگتن در رسیدن به اهدافش در ایران نشانهای از یک افول اجتناب‌ناپذیر و گسترده‌تر قدرت آمریکاست. «چسبن به طور

چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵

وطن‌امروز | شماره ۴۶۲۲

جهان



در تمام جبهه‌ها بویژه لبنان را شامل شود. حمایت ایران از حقوق مشروع ما و تحمل هزینه‌های مادی و سیاسی آن، بار دیگر ثابت کرد ایران پشتیبان لبنان است و عکس این مساله درست نیست. ایران همواره خیر خواه کشور ما بوده و از مقاومت برای آزادی خاک کشور حمایت و در بازسازی آنچه دشمن ویران کرده، مشارکت داشته است.

توانایی بالای ایران به نقل از نماینده سابق پارلمان عراق: یکی از رهبران سازمان بدر و نماینده سابق پارلمان عراق هم در واکنش به پاسخ موشکی ایران، به توانایی بالای جمهوری اسلامی اشاره و اظهار کرد: حملات موشکی ایران به قلب اسرائیل، هشداری به این رژیم در مورد لزوم پایبندی به آتش‌سسی و وفاداری از تجاوز به جنوب لبنان است. «معین الکاظمی» در ادامه گفت: ضربات درنداک‌ی که به تل آویو وارد شد به وضوح سطح توانایی نظامی ایران را نشان می دهد. تهران از دوره آتش‌سسی برای تقویت و توسعه قابلیت‌های موشکی خود، بویژه جدیدترین موشک‌های مافوق صوت و سلاح‌های پیشرفته استفاده کرد و بدین ترتیب اهرم فشار قابل توجه و تأثیر گذاری را به دست آورد. تأکید انجمن علمای سمسلمان بر وفاداری ایران به لبنان: انجمن علمای مسلمان لبنان هم در بیانیه‌ای اعلام کرد جمهوری اسلامی ایران با عملی کردن تهدیدهای خود مبنی بر هدف قرار دادن شمال فلسطین اشغالی در صورت هدف قرار گرفتن ضاحیه بیروت، ثابت کرد دوست صادق و وفاداری برای ملت و کشور لبنان است. تثبیت معادله ضاحیه جنوبی بیروت با قدرت: یکی از رهبران جنبش انصارالله یمن هم با اشاره به تحولات خوزهای میان ایران و رژیم صهیونیستی، گفت تل آویو در برابر فشار متقابل ناچار به پذیرش توقف حملات به ضاحیه جنوبی بیروت شد و معادلات جدیدی در جبهه مقاومت در حال شکل گیری است. «صبرالدین علمر» اظهار کرد:در جریان درگیری‌های اخیر، تبادل حملات میان طرف‌ها ساعت‌ها ادامه داشت تا اینکه دشمن صهیونیست ناچار به پذیرش توقف حملات متقابل شد ولی ادعا کرد در پاسخ به درخواست آمریکا با توقف این حملات و عدم هدف قرار دادن ضاحیه جنوبی بیروت موافقت کرده است! وی با بیان اینکه «معادله ضاحیه جنوبی با قدرت تثبیت شد»، تأکید کرد اسرائیل در برابر این معادله عقب‌نشینی کرد.

بازدارندگی گسترده مستمثر بل لبنان است. مقام امنیتی سابق رژیم صهیونیستی همچنین گفت مساله با ایران تمام نشده و همه دستاوردهای عملیاتی که تاکنون محقق شده، نتوانسته واقعیت نه جنگ رقم بزند و خلاصه اینکه واقعیت «مدیریت درگیری» و «معادله بازدارندگی» را نمی توان با ایران حفظ کرد.

■ **توان موشکی شوکه‌کننده ایران**

مقام دیگر نظامی پیشین رژیم صهیونیستی هم با ابراز شگفتی از توان موشکی ایران، اذعان کرد تهران در مدت کوتاهی پس از توقف جنگ ۴۰ روزه، توانسته بخشی از قابلیت‌های خود را بازسازی کرده و بار دیگر حملات موشکی مؤثری انجام دهد. «رن کوخالو» سرتیپ ذخیره ارتش و فرمانده سابق پدافند هوایی ارتش صهیونیستی اعلام کرد توانایی ایران در اجرای حملات موشکی اخیر قابل توجه و توسعه قابلیت‌های موشکی وی با اشاره به تنش اخیر میان ایران و رژیم صهیونیستی گفت توان تهران در شلیک موشک‌هایش «شوکه‌کننده» است و نشان می‌دهد ایران موفق شده در مدت زمانی کوتاه بخشی از ظرفیت‌های خود را بازسازی کند. کوخالو افزود ایران طی تنها ۲ ماه پس از توقف جنگ، توانسته برخی قابلیت‌های خود را ترمیم و احیا کند؛موضوعی که از دید او نشان‌دهنده سرعت بالای بازایی توانمندی‌های نظامی تهران است.

■ **بارقه امید در مقاومت**

پاسخ موفقیت‌آمیز ایران علیه نقض آتش‌بس در ضاحیه، همچنین با واکنش بسیاری در میان شخصیت‌های عرب و گروه‌های مقاومت از عراق و لبنان تا یمن و فلسطین روبرو شد. پیام شفاف ایران به دولت بیروت: حزب‌الله لبنان با تأکید بر اینکه پاسخ موشکی ایران به رژیم صهیونیستی، پیام پایبندی اخلاقی، سیاسی و میدانی در قبال لبنان است، از دولت این کشور خواست با استفاده از این فرصت، روابط خود با تهران را اصلاح کند. حزب‌الله در بیانیه خود افزود: پاسخ موشکی ایران به اسرائیل در واقع پیام شفاف و روشن ایران به تمام کسانی بود که به تلاش برای ثبات در منطقه اهمیت می‌دهند. مقاومت اسامی لبنان خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی ایران بر این مساله پافشاری می‌کند که هر گونه توافق با آن باید آتش‌بس فرآبرگیر

■ **پیوند موفق جبهه‌ها توسط ایران**
ایران همواره بر پیوند و اتحاد جبهه‌های مقاومت از فلسطین تا لبنان و یمن تأکید دارد و حالا منابع صهیونی در تل آویو هم اذعان می‌کنند تهران موفق شده اتحاد جبهه‌ها و میادین را در عمل نشان دهد. شیکه ۱۲ تلویزیون صهیونیستی در گزارشی ضمن اشاره به حملات موشکی ایران به سرزمین اشغالی در واکنش به تجاوز اسرائیل به ضاحیه جنوبی بیروت، اعتراف کرد ایران پس از ۳ سال جنگ توانسته است بار دیگر جبهه‌ها را به یکدیگر پیوند دهد. این رسانه در این گزارش افزود: تل آویو وارد دوره‌ای روبراییسی با ایران شده و در این روند، مهم‌ترین برگ‌های راهبردی خود را از دست داده است. یکی دیگر از کاتال‌های تلویزیونی رژیم هم در گزارشی به آسیب شدید بازدارندگی تل آویو در جنگ با ایران اعتراف کرد. شبکه ۱۵ تلویزیون صهیونیستی در گزارش خود گفت یک دور دیگر از درگیری‌ها با ایران با ضربه‌ای دردناک و کاری به بازدارندگی اسرائیل پایان یافت.

■ **معادله نگران‌کننده برای تل آویو**

برخی منابع صهیونی در تل آویو هم بر معادله‌سازی ایران در منطقه پس از حمله پیش‌دستانه موشکی تهران به رژیم اذعان دارند. روزنامه صهیونیستی اسرائیل هیوم در گزارشی تأکید کرد جمهوری اسلامی ایران با اعلام اینکه هر حمله به بیروت با شلیک موشک به اسرائیل پاسخ داده می‌شود، معادله‌ای نگران‌کننده را بنیان گذاشت. اسرائیل هیوم در گزارش خود تأکید کرده مقامات تل آویو فکر نمی‌کردند ایرانی‌ها تهدید خود را عملی کنند و به سوی اسرائیل آتش بگشایند. در تل آویو حتی مقامات امنیتی اذعان دارند ایران با حمله موشکی خود در پاسخ به نقض آتش‌بس در ضاحیه نشان داد کاملاً آماده ورود به جنگ است. کاتال ۱۲ رژیم نیز به نقل از «تامیر همبن» رئیس سابق دستگاه اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی اعلام کرد حمله به ضاحیه بیروت اولین آزمون برای رهبر جدید انقلاب اسلامی ایران بود و وی به وعده خود برای حمله به اسرائیل عمل کرد و پیام اطمینان‌بخشی به ملت ایران داد. همبن افزود: ایران برای پایان دادن به جنگ نه فقط به دنبال یک پیروزی سه مدانی عدم شکست است، بلکه به دنبال پیروزی مبتنی بر دستاوردهای جدید اعم از حاکمیت بر تنگه هرمز

تحلیل صاحبنظران و کارشناسان بین‌المللی در باره ابعاد حمله موشکی ایران به رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر معادلات غرب آسیا

نظم ایرانی

در ادامه این گزارش آمده است:اکنون ایران به دنبال تحمیل اراده خود از طریق قدرت نظامی و تهدید به استفاده از آن است، نه فقط به عنوان ابزاری دفاعی، بلکه برای پیشبرد منافع به صورت پیش‌دستانه این چیزی است که فقط اسرائیل، بلکه منطقه اکنون در حال تجربه آن است و در سال‌های آینده نیز بیشتر آن را تجربه خواهد کرد.

■ **شرمساری راهبردی تل آویو**

در محافل صهیونیستی نیز بسیاری تأکید کرده‌اند نتایج‌و بدون تأیید ترامپ، چه در حمله به ضاحیه و چه در پاسخ به حمله ایران، اقدامی نکرده است. در ادامه گزارش النشره آمده است: پس از پاسخ موشکی ایران به نقض آتش‌بس در لبنان، قاعده کلی مبتنی بر مدل «ضربات متقابل کنترل‌شده» است و این قاعده به این معناست که صهیونیست‌ها، حمله‌ای را آغاز می‌کنند، ایران تلافی می‌کند و سپس میانجی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی وارد عمل می‌شوند و درگیری را راکد نگه می‌دارند. این مدل به ایران اجازه می‌دهد نشان دهد دیگر عبور از خطوط قرمز خود را بی‌پاسخ نمی‌گذارد.

■ **خروج ایران از لاک دفاعی**

پس از پاسخ موشکی ایران به صهیونیست‌ها، برخی رسانه‌های عربی هم از تغییر رویکرد و

استراتژی ایران در مقابله با رژیم صهیونیستی گفتند. در این ارتباط روزنامه الاخبار لبنان در گزارشی نوشت: ایران در آخرین دور درگیری‌ها با رژیم صهیونیستی از لاک دفاعی خارج شد و به بازدارندگی تهاجمی تغییر رویکرد داد. در ادامه این گزارش آمده است: این دور از تنش‌ها، علاوه بر بازتعریف برخی ابعاد درگیری میان تهران و تل‌آویو،برروابط اسرائیل و آمریکانیز سایه‌افکنده‌است. الاخبار در ادامه این گزارش افزود: محتاط شدن آمریکا در قبال گزینه‌های نظامی مستقیم علیه ایران، بیش از پیش خود را نشان داده است. در مقابل به نظر می‌رسد تهران توانسته است حضور و نفوذ خود را در صحنه لبنان تثبیت کند؛ امری که به جلوگیری از انحراف مقاومت و حامیان آن از سوی اسرائیل کمک می‌کند و معادلات را به نفع خود و متحدانش رقم می‌زند. بر اساس گزارش الاخبار، ابتکار و اقدام پیش‌دستانه ایران در پاسخ مستقیم به هدف قرار گرفتن حومه جنوبی بیروت، برای اسرائیل، آمریکا و شرکای لبنانی‌شان غافلگیرکننده بود، زیرا اگر تل آویو از قبیل پیش‌بینی کرده بود تهران مستقیم درگیری دخالت خواهد کرد، دست به این اقدام نمی‌زد. حال که این غافلگیری رخ داد، نتیجه مستقیم آن ایجاد معادلات بازدارندگی بسیار محکم‌تر و قوی‌تری است که بسیاری فراتر از معادله‌ای است که اسرائیل تحت عنوان «ضاحیه در مقابل شهرک‌ها» سعی در تثبیت آن داشت. طبق این گزارش، خلاصه معادله جدید در منطقه این است که هدف قرار گرفتن ضاحیه، با پاسخ مستقیم موشکی ایران به اسرائیل روبرو خواهد شد. به نظر می‌تواند سه تا چهار هفته به تیرهای درگیری و شرایط پیرامونی، احتمالاً فراتر از ضاحیه رفته و مناطق دیگر را نیز شامل شود، هرچند پیش‌بینی نتایج نهایی آن در حال حاضر زود است.

گروه بین‌الملل: آخرین دور تنش میان تهران و تل‌آویو باری جان صهیونیست‌ها شده و حالا بسیاری از کارشناسان و محافل رسانه‌ای معتقدند در تنش اخیر، ایران توانست به عنوان یک بازیگر مسلط در منطقه، قواعد مورد نظر خود را اعمال کند. کارشناسان معتقدند صهیونیست‌ها یک قاعده همیشگی داشته‌اند و از زمانی که رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ تأسیس شد، رهبران صهیونیست نشان داده‌اند اگر مورد حمله واقع شوند، جنگی بزرگ به راه خواهند انداخت. این قاعده کلی صهیونیست‌ها در همه جنگ‌های گذشته این رژیم در بحران سوئز(۱۹۵۶)، جنگ ۶روزه(۱۹۶۷)، جنگ فرسایش‌زا(۱۹۷۰) و جنگ یوم کیپور(۱۹۷۳) دیده شده است. صهیونیست‌ها در همه این جنگ‌ها مقابل کشورهای عرب به‌شدت وارد نبرد شدند اما در جریان تنش اخیر به‌رغم پاسخ موشکی ایران به نقض آتش‌بس در لبنان، آنها نتوانستند وارد یک درگیری طولانی شوند و نخست‌وزیر رژیم خیلی زود توقف هر گونه درگیری با ایران را اعلام کرد.

به گزارش «وطن امروز»، پاسخ موشکی ایران به نقض آتش‌بس در لبنان و اعلام خیلی سریع و متوقف شدن تبادل آتش از سوی بنیامین نتانیا‌هو، باعث شد بسیاری از تحلیلگران تأکید کنند ایران توانسته قواعد جدیدی را بر مبنای منافع خود در منطقه تثبیت کند. در همین ارتباط پایگاه خبری «النشره» لبنان در تحلیلی به قلم «محمد علوش» با عنوان «ضاحیه تا تهران؛ پایان قواعد درگیری قدیمی و سرآغاز معادلات جدید»، نوشت: تا پیش از پاسخ موشکی اخیر ایران به نقض آتش‌بس در لبنان، فرض غالب در بسیاری از پایتخت‌ها و مراکز تحقیقاتی این بود که ایران به واکنش مستقیم علیه تل‌آویو روی نخواهد آورد. این باور وجود داشت که تهران تحت فشار تحریرها و ملاحظاتی داخلی است و حتی اگر صهیونیست‌ها به بیروت حمله کنند، ایران خطر روبرایی آشکار را به جان نمی‌خورد. با این حال پیامدهای تجاوز رژیم صهیونی به ضاحیه بیروت این فرض را در هم شکست. اسرائیل پاسخ داد و پاسخ آن نه کاملاً نامدین بود و نه اعلام جنگی تمام‌عیار، بلکه تالاشی جدی برای ایجاد یک معادله جدید بود. «اگر اسرائیل ادامه حملات خود را گسترش دهد و از خطوط قرمز ایران در آتش‌بس عبور کند، آنگاه تهران خود شش‌خا وارد معادله خواهد شد.» علوش ادامه داد: شلیک موشک‌های ایران حامل یک پیام سیاسی و استراتژیک دوگانه است؛ پیام اول خطاب به تل‌آویو، این است که حاشیه منازعی که سال‌ها به آن عادت کرده بود دیگر نامحدود نیست و هزینه دارد. نکته و پیام دوم برای امریکاست که هر گونه تلاش برای تغییر شکل منطقه بازرر با تحمیل واقعیت‌های جدید به‌طور هم‌زمان بر لبنان، غزه و ایران، می‌تواند منطقه را به سمت درگیری‌ای بکشاند که هیچ‌کس نمی‌تواند سرع آن را کنترل کند و علوش با اشاره به تحکرت ترامپ در این باره و وانمود کردن اینکه به دنبال جلوگیری از درگیری بزرگ است، آورده است: سوال مطرح این است

جنگ غزه، می‌تواند حزب را به سوی مواضع افراطی‌تر در رقیل‌های ۲۰۲۸ سوق دهد و نامزدهای متعادل به حمایت سنتی از اسرائیل را کنار بزند. به این ترتیب، حتی برای حزبی که از جنگ سود انتخاباتی می‌برد، خطر افراط‌گرایی و شکاف در درون پایگاه هم وجود دارد. در بخش پایانی، گالستون به بحران قانون اساسی آمریکا می‌بسد او یادآوری می‌کند با گذشت ۶۰ روز از جنگ، دموکرات‌ها بارها برای اقدام در قبال لبنان است، از دولت این کشور خواست با استفاده از این فرصت، روابط خود با تهران را اصلاح کند. حزب‌الله در بیانیه خود افزود: پاسخ موشکی ایران به اسرائیل در واقع پیام شفاف و روشن ایران به تمام کسانی بود که به تلاش برای ثبات در منطقه اهمیت می‌دهند. مقاومت اسامی لبنان خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی ایران بر این مساله پافشاری می‌کند که هر گونه توافق با آن باید آتش‌بس فرآبرگیر

به‌علاوه تا آوریل، بیش از ۶۰ درصد آمریکایی‌ها از جمله تقریباً همه دموکرات‌ها و ۷۲درصد مستقل‌ها به این نتیجه رسیدند که ترامپ برای جنگ برنامہ روشنی ندارد و دوسوم نیز گفتند وی نتوانسته هدف‌های جنگ را توضیح دهد. وقتی از اهداف مشخص پرسیده شد، اکثریت قاطع گفتند آمریکا نتوانسته تنگه هرمز را باز کند، برنامہ هسته‌ای ایران را برای همیشه متوقف کند یا نظام سیاسی ایران را تغییر دهد. پیامدهای اقتصادی جنگ نیز به همان اندازه مخرب است. گالستون می‌نویسد: بسته شدن یا اختلال در عبور و مرور از تنگه هرمز، قیمت نفت را به بالای ۱۰۰ دلار در هر بشکه رسانده و آمریکایی‌ها را با بنزین گران‌تر و هزینه بالاتر دیزل روبرو کرده است. از آنجا که بیش از ۷۰ درصد کالاهار از آمریکا با کامیون جابه‌جایی‌شود،افزایش هزینه سوخت به‌سرعت به قیمت همه چیز سیرایت می‌کند. همان‌زمان افزایش قیمت کود شیمیایی در فصل کشت به کشاورزان ضربه زده است. شاخص قیمت تولیدکننده ۴درصد نسبت به سال قبل بالا رفته و شاخص قیمت مصرف‌کننده ۳٫۸ درصد رشد کرده؛ رقمی که بالاترین افزایش ۳ ساله محسوب می‌شود و عملاً رشد دستمزدهای واقعی کارگران را خنثی کرده است.

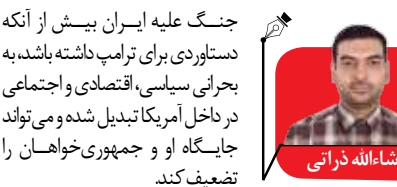
در کنار این فشارها، هزینه رسمی جنگ هم رو به افزایش است. برآورد اعلامی ۲۹ میلیارد دلار است اما به گفته نویسنده، هزینه واقعی بسیار بالاتر خواهد بود، زیرا باید ذخایر تسلیحاتی جایگزین، خسارت پایگاه‌ها در منطقه جبران و هزینه نگهداری ناوها و نیروهای اعزامی فراتر از برنامه معمول پرداخت شود. حتی بسته ۲۰۰ میلیارد دلاری مملکی که دولت مطرح و بعد عقب کشید، نشان می‌دهد فشار مالی جنگ از همین حالا به مرحله بحران رسیده است. گالستون سپس به اثر این جنگ بر جایگاه سیاسی ترامپ می‌پردازد او می‌نویسد: محبوبیت رئیس جمهور در طول بیشتر دوره دوشم افت کرده اما جنگ ایران این روند را شتاب داد. یک‌چهارم رأی‌دهندگان در سال ۲۰۲۴ به ترامپ رأی دادند. اکنون مخالفان این جنگند. از زمان آغاز جنگ، میزان رضایت عمومی از عملکرد (Job Approval) رئیس جمهور کاهش یافته و به تنها ۴۰ درصد رسیده و نارضایتی (Disapproval) با او به ۵۷درصد رسیده است. این سقوط فقط یک عدد نیست، چون به طور مستقیم بر انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ اثر می‌گذارد. تا پایان ماه مه، برتری دموکرات‌ها نسبت به جمهوری خواهان

دوچاره به ۳۰ پایگاه از ۳۳ پایگاه موشکی خود در پایگاه تنگه هرمز دسترسی پیدا کرده و همین امر عبور کشتی‌های تجاری با اسکورت نیروی دریایی آمریکا را خطرناک کرده است. در نتیجه، ادعای «بلودی قدرت ایران» بیش از آنکه واقعیت میدانی باشد، بخشی از روایت سیاسی ترامپ است.

نکته مهم دیگر در این تحلیل آن است که جنگ ایران فقط به نفع یا ضرر واشنگتن تمام نمی‌شود، بلکه به سود چین هم عمل کرده است. گالستون به گزارشی از دستگاه اطلاعاتی ستاد مشترک ارتش آمریکا اشاره می‌کند که می‌گوید این جنگ در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک به نفع یکن پیش رفته است. به بیان دیگر، آمریکا با گشودن یک جبهه جدید، نقطه‌ضعف خود را فرسوده کرده، بلکه برای رقیب اصلی‌اش نیز فضای بیشتری برای مانور ساخته است. همین جاست که جنگ ایران از یک مناقشه منطقه‌ای فراتر می‌رود و به آزمونی برای نظم جهانی و توان واقعی قدرت آمریکا بدل می‌شود.

اما بخش مرکزی یادداشت، پیامدهای داخلی جنگ در جامعه امریکاست. نویسنده توضیح می‌دهد شکست‌های نظامی معمولاً اعتماد عمومی را کاهش می‌دهند، نه فقط به دولتی که جنگ را آغاز کرده، بلکه به کل حکومت. او یادآوری می‌کند: جنگ‌های شکست‌خورده‌ای مانند ویتنام و افغانستان و حتی جنگ‌های بره‌زین‌های مثل عراق، حمایت مردم از مداخله خارجی را به‌تدریج کاهش داد. در این چارچوب، ترامپ در کارزار ۲۰۱۵ جنگ‌های منطقه غرب آسیا را «احمقانه» خوانده بود. اکنون گرفتار همان میراثی شده که روزی از آن برای جلب رأی استفاده می‌کرد. این تناقض، از نظر گالستون نشان می‌دهد شکست نظامی فقط در میدان نبرد نمی‌ماند، بلکه به حافظه سیاسی جامعه نفوذ می‌کند و اعتبار رئیس‌جمهور را فرسایش می‌دهد.

افکار عمومی آمریکا نیز به‌سرعت علیه جنگ برگشته است. طبق نظرسنجی‌های اولیه، جنگ از همان ابتدا نامحبوب بود و پس از آغاز، این ناراضیاتی شدت گرفت. در نظرسنجی‌های انجام‌شده کمی بعد از شروع درگیری، ۴۸ درصد در برابر ۴۳ درصد با جنگ مخالف بودند اما در ماه مه میزان مخالفت به ۵۸درصد رسید و حمایت فقط ۲۸درصد شد. دلیل این واکنش هم‌روشن است: تنها ۲۵درصد آمریکایی‌ها ادعای دولت ترامپ را درباره تهدید فریب‌الوقوع ایران پذیرفتند و ۵۶درصد معتقدند دولت باید پیش از آغاز خصومت‌ها از کنگره اجازه می‌گرفت.



ماشاءالله دراتی

ویلیام گالستون، تحلیلگر شناخته‌شده یهودی-آمریکایی در حوزه سیاست عمومی و حکمرانی، از پژوهشگران ارشد مؤسسه مطالعات حکمرانی در امریکاست و کرسی مطالعات حکمرانی «زرا زلیخا» را در مرکز مدیریت عمومی ارتبخش در لندنشکه مطرح‌بروکتینگز برعهده دارد. مرکز کی که از نهادهای معتبر پژوهشی در زمینه سیاست‌گذاری و اداره عمومی در آمریکا به شمار می‌رود. او در یادداشتی که ۱۸ خرداد منتشر شد، از همان ابتدا روایت رسمی کاخ سفید درباره جنگ ایران را به چالش می‌کشد و این جنگ را نه نشانه قدرت‌نمایی آمریکا، بلکه آغاز بحرانی سیاسی برای دونالد ترامپ و دولت او توصیف می‌کند؛ بحرانی که به گفته او، هم مشروعیت سیاسی رئیس‌جمهور آن کشور را تضعیف کرده و هم شکاف‌های عمیق‌تری در جامعه و ساختار سیاسی آمریکا پدید آورده است.

گالستون همسار می‌دهد اگر پیش‌بینی منتقدان جنگ درست باشد، این درگیری به شکستی برای آمریکا تبدیل می‌شود که جایگاه جهانی آن را به‌طور برگشت‌ناپذیری تضعیف خواهد کرد و «تجزیه‌ری از واکنش‌ها» را در میان دوستان و دشمنان آمریکا به راه می‌اندازد. او تأکید می‌کند حتی جنگ‌هایی که با حمایت عمومی آغاز می‌شوند، اگر به هدف نرسند، افکار عمومی را علیه آغازکنندگان‌شان برمی‌گرداند و در جنگی که از ابتدا نیز حمایت مردمی نداشت، این واکنش می‌تواند سخت‌تر و ماندگارتر باشد.

وی در ادامه می‌نویسد: هنوز برای داوری قطعی درباره پایان جنگ زود است اما ایالات متحده از اهداف اعلامی خود بسیار دور تر از چیزی است که کاخ سفید می‌پذیرد. به روایت او، در حالی که ترامپ و مقام‌های جهانی آن را به‌طور برگشت‌ناپذیری تضعیف خواهد کرد و «تجزیه‌ری از واکنش‌ها» را در میان دوستان و دشمنان آمریکا به راه می‌اندازد، او تأکید می‌کند حتی جنگ‌هایی که با حمایت عمومی آغاز می‌شوند، اگر به هدف نرسند، افکار عمومی را علیه آغازکنندگان‌شان برمی‌گرداند و در جنگی که از ابتدا نیز حمایت مردمی نداشت، این واکنش می‌تواند سخت‌تر و ماندگارتر باشد.

وی در ادامه می‌نویسد: هنوز برای داوری قطعی درباره پایان جنگ

